



همان مسیر تثبیت شده در سینما پیش گرفتند و شوخی‌های جنسی در مجموعه نمایش خانگی گسترش پیدا کرد. اما با محصول اخیر فیلم‌ت شوخی با مقدسات مذهبی دومین پروژه‌ای است که مسیر آن با این سریال فیلم‌ت باب خواهد شد.



این سریال حدود شوخی‌هایش فراتر از هجو مقدسات است و به صورت رسمی با ذات اقدس الهی (نعوذالله) شوخی می‌کند. در شکلهای سینمایی که مقدسات دینی بر آن سایه افکنده است، توزیع چنین مجموعه‌ای احتمالا با واکنش دستگاه‌های نظارتی بالادستی همراه خواهد بود. در متن این سریال خط القای موهنی موج می‌زند که خاندان از زجر زندگان لذت وافی می‌برد و این شوخی‌ها اغلب با کلمات زشت و رکبکی ادا می‌شود و هجو مقدساتی که درباره زندگی پس از مرگش در کتاب الهی وعده داده شده، به صورتی کوبنده هجو می‌شود.

ساختن چنین اثر شرم‌آوری با کارت سبزه‌ای مدیریت پیشین ساترا صورت پذیرفته است و امید می‌رود، مدبری که در حیطه رانداندازی شبکه گفتگماتی افق کارنامه موفقش از خود به جای گذاشته است، کارت سبزه‌ای که فیلم‌ت تاکنون دریافت کرده را ابطال کند.

توزیع این سریال به مثابه ادامه تسامح و تسامل مدیریت پیشین با پلتفرم فیلم‌ت است و اگر توزیع این سریال موجب ملتهب شدن فضای جامعه مذهبی شود، قطعاً خسارات آن متوجه سکوی ناظر است.

در دوران طغوت پهلوی، نظارت غبردینی و منحصر در صیات از منافع شاه و خاندان و عمله سلطنت، سینمایی منقطع را از حیث فنی و معنوی به بار ن‌نشاند که به ادعای منتقدان آگاه و متعهد، در نهایت و در سال ۵۶ به ورشکستگی فکری و تجاری رسید؛ در روزگاران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز اگر چه سینمای ایران رنگ جهانی یافت، اما هر جهت ارض‌هایی لیبرال بر سر کار آمدند و در جهت امرای باوری و منافع گروهی و خوشامد سکولارهای فرهنگی، نسبت به اعمال نظارت دینی با سبکسری برخورد کردند، آثاری مبتذل مخاطب را هدف قرار داد! البته – تا تاسف – مناسک منکر شد که گاه نیز عدول از اعمال نظارت دینی، بر پایه و در مسیر منحوس سلایق شخصی و نفوذ عناصر سکولار در جهت مذموم‌سازی نظارت در نظر هنرمندان و مخاطبان، صورت گرفته است! عارضه‌ای که باید زمینه‌های آن با همیاری دولت و اهل فرهنگ زوده شود.

در نهایت اینکه نظارت دینی از لوازم مشی

بالنده فرهنگی و هنری جامعه است و متکران

آن، تنها و تنها مدعیان اندیشه‌ورزی و حرمت به

مخاطب به‌شمار می‌آیندا

میکائیل خودش را به عنوان مهاجری آواره و بیبونا که خانواده‌اش را از دست داده، نشان می‌دهد ولی در واقعیت او امثال او مانند دولبا (موجودی افغانی) که مخاطب ایرانی او را با کارتون ستیاد به یاد دارد، در یکی از قسمت‌ها دولبا با شکل و شمایل پرمردی سر راه سندان قرار گرفت و با التماس از سندان‌در خواست کرد سوار کولش شود و او را به خاتاش لریزد می‌پیرمرد بعد از سوار شدن، بهایش که ادعا می‌کرد علین‌الدور گردن سندان پیچاند و او را گیر انداخت و تا کشته نشد، رهایش نکرد) ابتدا با ترجم بهانه آوازی وارد فلسطین می‌شوند و بعد، روی خانه‌های مردم خیمه زند و روی واقعی خودشان را نشان دادند. «محمد حدیده» که در دنیای برج‌سازی و بعد در دنیای مد، به خاطر دخترش شخصیت معروف و شناخته‌شده‌ای است، همیشه در مورد گذشته‌اش در فلسطین می‌گوید:

«پدرم مرد مهربانی بود و خانه بزرگی داشت، وقتی یهودیان آواره جنگ جهانی دوم وارد فلسطین شدند، او به یک خانواده آواره در خانه‌اش پناه داد ولی بعد از یک سال، با حمایت قدرت وقت، پدرم را از خانه‌اش بیرون کرد و همان خانواده‌ای که به آنها رحم کرد، صاحب خانه ما شدند»

چنین خاطرات ناگواری که از زبان اشخاص

مختلف بیان شده است، باعث می‌شود تا اشک‌های

میکائیل برای مخاطب هیچ ارزشی نداشته باشند

و بینندگان تحت تاثیر روایت‌های پرسوز این

دولباهای معاصر قرار نگیرند...

منتقدین و مخاطبین هم‌نظر نیستند

فیلم «جهان خواهد لرزید» طبق معمول نظر مثبت منتقدین غربی را با خود به همراه داشت. بیشتر منتقدین این فیلم را ارزشمند و واقعیت محض نامیدند ولی در بین مخاطبین، جهان خواهد لرزید هیچ لرزه‌ای به پا نکرد و در سبایت‌های مخصوص روزنامه‌نمدان این فیلم، نمرات متوسطی را دریافت کرد.

بنال توجه به اتفاقات دو سال اخیر و اخبار جنگ جهانی دوم را تعریف می‌کند. سازنده در سکانس انتهایی با استفاده از میکائیل سعی کرده از مخاطبین ترحم بخشد و حتی لحظه‌ای فکر نکرده شاید با توجه به اتفاقات اخیر در غزه، برای مخاطبین سؤال پیش بیاید که این مثلا یهودی بیچاره و مظلوم در اسرائیل، در خانه چه کسی زندگی کرده است؟



همان مسیر تثبیت شده در سینما پیش گرفتند و شوخی‌های جنسی در مجموعه نمایش خانگی گسترش پیدا کرد. اما با محصول اخیر فیلم‌ت شوخی با مقدسات مذهبی دومین پروژه‌ای است که مسیر آن با این سریال فیلم‌ت باب خواهد شد.



این سریال حدود شوخی‌هایش فراتر از هجو مقدسات است و به صورت رسمی با ذات اقدس الهی (نعوذالله) شوخی می‌کند. در شکلهای سینمایی که مقدسات دینی بر آن سایه افکنده است، توزیع چنین مجموعه‌ای احتمالا با واکنش دستگاه‌های نظارتی بالادستی همراه خواهد بود. در متن این سریال خط القای موهنی موج می‌زند که خاندان از زجر زندگان لذت وافی می‌برد و این شوخی‌ها اغلب با کلمات زشت و رکبکی ادا می‌شود و هجو مقدساتی که درباره زندگی پس از مرگش در کتاب الهی وعده داده شده، به صورتی کوبنده هجو می‌شود.

ساختن چنین اثر شرم‌آوری با کارت سبزه‌ای مدیریت پیشین ساترا صورت پذیرفته است و امید می‌رود، مدبری که در حیطه رانداندازی شبکه گفتگماتی افق کارنامه موفقش از خود به جای گذاشته است، کارت سبزه‌ای که فیلم‌ت تاکنون دریافت کرده را ابطال کند.

توزیع این سریال به مثابه ادامه تسامح و تسامل مدیریت پیشین با پلتفرم فیلم‌ت است و اگر توزیع این سریال موجب ملتهب شدن فضای جامعه مذهبی شود، قطعاً خسارات آن متوجه سکوی ناظر است.

شک‌جنج‌های قرون وسطایی به دست حاکمیت، مانند ریختن روغن گداخته به گوش و چشم انسان‌ها ... دیکتاتوری نظام پادشاهی این کشور روایتی سینمایی دیده اید یا نامی از آن شنیده‌اید؟ همه این‌ها یعنی، در کشورهای بشمرده نیز که از قضا کشورهای نافی نظارت و بانی توسعه قوه خلاقیت و درباری اندیشه و مراقبان حق آزادی عقیدتی هنرمندان توصیف می‌شوند، نظارت وجود دارد و تخطی از هنجارها و ارزش‌های مدنظر، تاب آورده نمی‌شود!

اما آیا در سایه حاکمیت نظام دینی، اعمال نظارت چنان که سکولارها می‌دانند، منجر به تصلب اندیشه و آزاد فکری و سراسر عمردهنی هنرمند و شکل‌گیری آثار سخیف می‌شود؟! شواهد نشان می‌دهد و به سادگی اثبات می‌کند، اعمال نظارت دینی یا به عبارتی ممیزی دینی که لزوما دستگانه‌ای غیرسلبیه‌ای است، نهنهاره را بر مشی خلاقانه و تکاپوی هنری و اوج‌گیری فکری اهل هنر و سینما نمی‌شود که بر عکس، نظارت دینمدار، بانی تجلیات مسحورکننده هنری و اندیشه هنرمند است که و اباتب و نتیجه آن تعالی نگاه و اندیشه مخاطب توصیف می‌شود!

در مورد یهودیان هم وضعیت به همین منوال است به این صورت که قبل از جنگ جهانی دوم این نقشه به نظر کامل شده بود و با شروع جنگ به تمسک اجرا رفت.

نکته قابل‌توجه این است که بلافاصله بعد از جنگ جهانی دوم، یهودیان به فلسطین منتقل شدند و گروه‌گروه به بهانه آوازی و عدم امنیت جانی، در آنجا اسکان داده شدند و هولوکاست هم مهم‌ترین بهانه برای سرسازیر کردن آنها به دیگر کشورها و به صورت متمرکز به فلسطین بود. لیور گلر، کارگردان اسرائیلی فیلم جهان خواهد لرزد، با ادعای تحقیق با استفاده از بازیکران یهودی فیلمش را ساخت ولی با وجود ادعای تحقیقات، هیچ جوابی به آمار بالای کشته‌ها در هولوکاست نمی‌دهد و با لیست‌های فرضی در این فیلم، سر و ته قضیه را هم می‌آورد.

دولباهای معاصر!

در فیلم «جهان خواهد لرزید»، به رسم دو سال اخیر که مد شده در انتهای ساخته‌های اینجینتی، یهودی ساکن اسرائیل را که داستان در مورد اوست نشان می‌دهند، میکائیل که یکی از شخصیت‌های



اصلی ماجراست را نشان می‌دهند. میکائیل در ویدئویی قدیمی و قبل از مرگش در اسرائیل، با چشمانی اشک‌آلود داستان مرگ خانواده‌اش در جنگ جهانی دوم را تعریف می‌کند. سازنده در سکانس انتهایی با استفاده از میکائیل سعی کرده از مخاطبین ترحم بخشد و حتی لحظه‌ای فکر نکرده شاید با توجه به اتفاقات اخیر در غزه، برای مخاطبین سؤال پیش بیاید که این مثلا یهودی بیچاره و مظلوم در اسرائیل، در خانه چه کسی زندگی کرده است؟



همان مسیر تثبیت شده در سینما پیش گرفتند و شوخی‌های جنسی در مجموعه نمایش خانگی گسترش پیدا کرد. اما با محصول اخیر فیلم‌ت شوخی با مقدسات مذهبی دومین پروژه‌ای است که مسیر آن با این سریال فیلم‌ت باب خواهد شد.



ماشئین می‌آورد و تسبیح را می‌بوسد و می‌گوید خدایا! شکرت به مو می‌رسد اما ... آ‌ممی‌کن! (کلمه استفاده شده توسط بازیگر را نمی‌توان در گزارش‌ش گنجانند). در واقع بازیگر کم‌دی که چهره ثابت شوخی‌های هنجارشکن عرفی است، کلمه را به اشتباه می‌گوید اما معنای سکاسن صدقاً هتک مقدسات دینی است.

این کاراکتر در ادامه با فرشته‌ای به نام «اجل معلق» مواجه می‌شود و در تصادفی می‌میرد، اما

اجل معلق به دلیل استفاده از فیلترشکن نامناسب نمی‌تواند روح شخصیت اصلی سریال را از کالبد او خارج کند. شخصیت اصلی در بیمارستان به زندگی باز می‌گردد و شاهد قیض روح افراد دیگری است و افراد حین مرگ اشتباهات مالی زندگی خودشان را با او در میان می‌گذارند و شخصیت اصلی سریال، با به‌رهبری از چشم بزخی مردم را تلکه می‌کند. به عنوان مثال در بررسی از سریال فرشته‌ای از آسمان برای بردن شخصیت پرمرد دیگری به زمین می‌آید و شخصیت اصلی سریال قصد دارد به فرشته آسمانی مؤثث شماره تلفنش را بدهد.

فرشته مؤثث سفیدپوش اذعان می‌کند من شما را از تولی به برزخ می‌برم و شخصیت اصلی تلاش می‌کند به اجل معلق می‌گوید «من حاضرم با این خانوم به توتل برم...» نکته مهم این است که این شخصیت‌هایی که هجو می‌شوند، کاراکترهای مذهبی مثل فیلم‌های سینمایی و سریال‌های رایج نیستند بلکه شمایل آسمانی هستند اما این شمایل‌های مقدس توصیف شده در کتاب‌های آسمانی به سادگی هجو می‌شوند، شمایل‌های ابدی و ازلی که در فرهنگ ادیان ابراهیمی مقدس هستند. شخصیت اصلی سریال به زندگی بازمی‌گردد و توسط مردم تبدیل به چهره مقدسی

شک‌جنج‌های قرون وسطایی به دست حاکمیت، مانند ریختن روغن گداخته به گوش و چشم انسان‌ها ... دیکتاتوری نظام پادشاهی این کشور روایتی سینمایی دیده اید یا نامی از آن شنیده‌اید؟ همه این‌ها یعنی، در کشورهای بشمرده نیز که از قضا کشورهای نافی نظارت و بانی توسعه قوه خلاقیت و درباری اندیشه و مراقبان حق آزادی عقیدتی هنرمندان توصیف می‌شوند، نظارت وجود دارد و تخطی از هنجارها و ارزش‌های مدنظر، تاب آورده نمی‌شود!

اما آیا در سایه حاکمیت نظام دینی، اعمال

نظارت چنان که سکولارها می‌دانند، منجر به

تصلب اندیشه و آزاد فکری و سراسر عمردهنی

هنرمند و شکل‌گیری آثار سخیف می‌شود؟! شواهد نشان می‌دهد و به سادگی اثبات می‌کند، اعمال نظارت دینی یا به عبارتی ممیزی دینی که لزوما دستگانه‌ای غیرسلبیه‌ای است، نهنهاره را بر مشی خلاقانه و تکاپوی هنری و اوج‌گیری فکری اهل هنر و سینما نمی‌شود که بر عکس، نظارت دینمدار، بانی تجلیات مسحورکننده هنری و اندیشه هنرمند است که و اباتب و نتیجه آن تعالی نگاه و اندیشه مخاطب توصیف می‌شود!

در مورد یهودیان هم وضعیت به همین منوال است به این صورت که قبل از جنگ جهانی دوم این نقشه به نظر کامل شده بود و با شروع جنگ به تمسک اجرا رفت.

نکته قابل‌توجه این است که بلافاصله بعد از جنگ جهانی دوم، یهودیان به فلسطین منتقل شدند و گروه‌گروه به بهانه آوازی و عدم امنیت جانی، در آنجا اسکان داده شدند و هولوکاست هم مهم‌ترین بهانه برای سرسازیر کردن آنها به دیگر کشورها و به صورت متمرکز به فلسطین بود. لیور گلر، کارگردان اسرائیلی فیلم جهان خواهد لرزد، با ادعای تحقیق با استفاده از بازیکران یهودی فیلمش را ساخت ولی با وجود ادعای تحقیقات، هیچ جوابی به آمار بالای کشته‌ها در هولوکاست نمی‌دهد و با لیست‌های فرضی در این فیلم، سر و ته قضیه را هم می‌آورد.

دولباهای معاصر!

در فیلم «جهان خواهد لرزید»، به رسم دو سال اخیر که مد شده در انتهای ساخته‌های اینجینتی، یهودی ساکن اسرائیل را که داستان در مورد اوست نشان می‌دهند، میکائیل که یکی از شخصیت‌های



اصلی ماجراست را نشان می‌دهند. میکائیل در ویدئویی قدیمی و قبل از مرگش در اسرائیل، با چشمانی اشک‌آلود داستان مرگ خانواده‌اش در جنگ جهانی دوم را تعریف می‌کند. سازنده در سکانس انتهایی با استفاده از میکائیل سعی کرده از مخاطبین ترحم بخشد و حتی لحظه‌ای فکر نکرده شاید با توجه به اتفاقات اخیر در غزه، برای مخاطبین سؤال پیش بیاید که این مثلا یهودی بیچاره و مظلوم در اسرائیل، در خانه چه کسی زندگی کرده است؟



همان مسیر تثبیت شده در سینما پیش گرفتند و شوخی‌های جنسی در مجموعه نمایش خانگی گسترش پیدا کرد. اما با محصول اخیر فیلم‌ت شوخی با مقدسات مذهبی دومین پروژه‌ای است که مسیر آن با این سریال فیلم‌ت باب خواهد شد.



این نهاد نظارتی همچون یک باتلاق است. فیلم‌ت یاسابقه عبور از خط قرمزهای عرفی، در سریال کم‌دی اخیرش از خط قرمزهای شرعی بسیاری عبور می‌کند. شاید تحمل برخی خط‌شکنی اخلاقی و عبور از خط قرمزهای عرفی در روند فعالیت‌های این پلتفرم، امری معمول است، اما وقتی حکمت پرودگار، تقدیر الهی و فرشته مرگ به‌سخره گرفته می‌شود، قطعاً بدنه مذهبی جامعه به عبور از چنین خط قرمزهای شرعی واکنش نشان خواهد داد و ساترا به عنوان متولی نسبت به موضوعات نمایشی هجو شده در این سریال باید حساسیت بیشتری را اعمال کند. از محتوای این سریال هنجارشکن ضدمنه‌بی شنیده‌ایی وجود دارد که برای نخستین‌بار برای طرح آن ضروری است و نباید این سریال بدون اصلاحیه‌های قطعی نهاد ناظر منتشر شد و از فاصله ایجاد شده در دوره تغییر مدیریت مجموعه ساترا بهره‌برداری شود.

گرفته در دوران گذشته را ترمیم کند. در سکانسی، شخصیت اصلی سریال، خودروی یکی از اقدام دوستش را سرقت می‌کند تا بتواند با آن مسافر کشی کند و مایحتاج روزانه خود را تأمین کند. در جلوی خودروی مذکور یک تسبیح آویزان است و بازیگر سریال با آن صلوات می‌فرستد و طلب روزی می‌کند و برای عمق پیدا کردن این مکاشفه فردی با خدا از موسیقی شهرام شب‌پره خواننده لس‌آنجلسی استفاده می‌کند.

در همین سکانس خودروی دیگری به او نزدیک می‌شود و زمینه تصادف شکل می‌گیرد، بازیگر کم‌دی این مجموعه سرش را از ماشین بیرون می‌کند و فحش رکیکی می‌دهد و سرش را داخل

را به‌عنوان دستاورد دوران نوزایی و یکی از مبانی

انقلاب فرانسه به چالش کشیده باشد. این یعنی،

اثری سینمایی در تقابل با اومانیسسم محال

شکل‌گیری و نمایش ندارد. در آمریکا، کلام اثر

سینمایی درباره نسل‌کشی سرخ‌پوستان یعنی

صاحبان و ساکنان اولیه سرزمین آمریکا و قتل‌عام

۷۰ میلیون سرخ‌پوست- بزرگ‌ترین قتل‌عام تاریخ

بشریت- ساخته شده است؟ کدام فیلمساز توانسته

است فیلمی را ارائه کند که راوی نقش فراماسورنی

در اشغال سرزمین سرخ‌پوست‌ها و شکل‌گیری

کشوری به نام ایالات متحده آمریکا و پیروزی

انقلاب ایدئولوژیک آمریکا در قرن هجدهم میلادی

است؟ باز هم می‌توان مثال زد.

در انگلستان، کدام قیام سینمایی، مستقیم

و غیرمستقیم نظام پادشاهی موسوم به بریتانیای

امریکا را به چالش کشیده باشد. این یعنی،

اثری سینمایی در تقابل با اومانیسسم محال

شکل‌گیری و نمایش ندارد. در آمریکا، کلام اثر

سینمایی درباره نسل‌کشی سرخ‌پوستان یعنی

صاحبان و ساکنان اولیه سرزمین آمریکا و قتل‌عام

۷۰ میلیون سرخ‌پوست- بزرگ‌ترین قتل‌عام تاریخ

بشریت- ساخته شده است؟ کدام فیلمساز توانسته

است فیلمی را ارائه کند که راوی نقش فراماسورنی

در اشغال سرزمین سرخ‌پوست‌ها و شکل‌گیری

کشوری به نام ایالات متحده آمریکا و پیروزی

انقلاب ایدئولوژیک آمریکا در قرن هجدهم میلادی

است؟ باز هم می‌توان مثال زد.

در انگلستان، کدام قیام سینمایی، مستقیم

و غیرمستقیم نظام پادشاهی موسوم به بریتانیای

امریکا را به چالش کشیده باشد. این یعنی،

اثری سینمایی در تقابل با اومانیسسم محال

شکل‌گیری و نمایش ندارد. در آمریکا، کلام اثر

سینمایی درباره نسل‌کشی سرخ‌پوستان یعنی

صاحبان و ساکنان اولیه سرزمین آمریکا و قتل‌عام

۷۰ میلیون سرخ‌پوست- بزرگ‌ترین قتل‌عام تاریخ

بشریت- ساخته شده است؟ کدام فیلمساز توانسته

است فیلمی را ارائه کند که راوی نقش فراماسورنی

در اشغال سرزمین سرخ‌پوست‌ها و شکل‌گیری

کشوری به نام ایالات متحده آمریکا و پیروزی

انقلاب ایدئولوژیک آمریکا در قرن هجدهم میلادی

است؟ باز هم می‌توان مثال زد.

در انگلستان، کدام قیام سینمایی، مستقیم

و غیرمستقیم نظام پادشاهی موسوم به بریتانیای

امریکا را به چالش کشیده باشد. این یعنی،

اثری سینمایی در تقابل با اومانیسسم محال

شکل‌گیری و نمایش ندارد. در آمریکا، کلام اثر

سینمایی درباره نسل‌کشی سرخ‌پوستان یعنی

صاحبان و ساکنان اولیه سرزمین آمریکا و قتل‌عام

۷۰ میلیون سرخ‌پوست- بزرگ‌ترین قتل‌عام تاریخ

بشریت- ساخته شده است؟ کدام فیلمساز توانسته

است فیلمی را ارائه کند که راوی نقش فراماسورنی

در اشغال سرزمین سرخ‌پوست‌ها و شکل‌گیری

کشوری به نام ایالات متحده آمریکا و پیروزی

انقلاب ایدئولوژیک آمریکا در قرن هجدهم میلادی

است؟ باز هم می‌توان مثال زد.

در انگلستان، کدام قیام سینمایی، مستقیم

و غیرمستقیم نظام پادشاهی موسوم به بریتانیای

امریکا را به چالش کشیده باشد. این یعنی،

اثری سینمایی در تقابل با اومانیسسم محال

شکل‌گیری و نمایش ندارد. در آمریکا، کلام اثر

سینمایی درباره نسل‌کشی سرخ‌پوستان یعنی

صاحبان و ساکنان اولیه سرزمین آمریکا و قتل‌عام

۷۰ میلیون سرخ‌پوست- بزرگ‌ترین قتل‌عام تاریخ

بشریت- ساخته شده است؟ کدام فیلمساز توانسته

است فیلمی را ارائه کند که راوی نقش فراماسورنی

در اشغال سرزمین سرخ‌پوست‌ها و شکل‌گیری

کشوری به نام ایالات متحده آمریکا و پیروزی

انقلاب ایدئولوژیک آمریکا در قرن هجدهم میلادی

است؟ باز هم می‌توان مثال زد.

در انگلستان، کدام قیام سینمایی، مستقیم

و غیرمستقیم نظام پادشاهی موسوم به بریتانیای

امریکا را به چالش کشیده باشد. این یعنی،

اثری سینمایی در تقابل با اومانیسسم محال

شکل‌گیری و نمایش ندارد. در آمریکا، کلام اثر

سینمایی درباره نسل‌کشی سرخ‌پوستان یعنی

صاحبان و ساکنان اولیه سرزمین آمریکا و قتل‌عام

۷۰ میلیون سرخ‌پوست- بزرگ‌ترین قتل‌عام تاریخ

بشریت- ساخته شده است؟ کدام فیلمساز توانسته

است فیلمی را ارائه کند که راوی نقش فراماسورنی

در اشغال سرزمین سرخ‌پوست‌ها و شکل‌گیری

کشوری به نام ایالات متحده آمریکا و پیروزی

انقلاب ایدئولوژیک آمریکا در قرن هجدهم میلادی

است؟ باز هم می‌توان مثال زد.

در انگلستان، کدام قیام سینمایی، مستقیم

و غیرمستقیم نظام پادشاهی موسوم به بریتانیای

امریکا را به چالش کشیده باشد. این یعنی،

اثری سینمایی در تقابل با اومانیسسم محال

شکل‌گیری و نمایش ندارد. در آمریکا، کلام اثر

سینمایی درباره نسل‌کشی سرخ‌پوستان یعنی

صاحبان و ساکنان اولیه سرزمین آمریکا و قتل‌عام

۷۰ میلیون سرخ‌پوست- بزرگ‌ترین قتل‌عام تاریخ

بشریت- ساخته شده است؟ کدام فیلمساز توانسته

است فیلمی را ارائه کند که راوی نقش فراماسورنی

در اشغال سرزمین سرخ‌پوست‌ها و شکل‌گیری

کشوری به نام ایالات متحده آمریکا و پیروزی

انقلاب ایدئولوژیک آمریکا در قرن هجدهم میلادی

است؟ باز هم می‌توان مثال زد.

در انگلستان، کدام قیام سینمایی، مستقیم

و غیرمستقیم نظام پادشاهی موسوم به بریتانیای

امریکا را به چالش کشیده باشد. این یعنی،

اثری سینمایی در تقابل با اومانیسسم محال

شکل‌گیری و نمایش ندارد. در آمریکا، کلام اثر